

نقد و بررسی کتاب

حبیب برجیان

آنسیکلوپدی ساویتی تاجیک
از انتشارات آکادمی قتهای تاجیکستان
شهر دوشنبه، از سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۸

زیر نظر: محمد عاصمی (سر محرر علمی)، آنه خان سیف‌الدیف (سر محرر تا ۱۹۸۵)، موسی دینارشانف (سر محرر از ۱۹۸۶)، اکبر ترشن اف (جانشین سر محرر تا ۱۹۸۶)، جمعه بای عزیزقل اف (جانشین سر محرر از ۱۹۸۷)، و هیأت تحریریه

دانشنامه تاجیک (آنسیکلوپدی ساویتی تاجیک) دایرةالمعارفی ست عمومی به زبان فارسی و خط سیریلیک (روسی) در هشت جلد. نخستین جلد در بیست و سه هزار نسخه و جلدهای دوم تا پنجم هر یک در بیست هزار نسخه و جلدهای دیگر هر یک در پانزده هزار نسخه در قطع وزیری بزرگ چاپ شده است. هر جلد حاوی چهارپنج هزار مقاله است که در ششصد تا هفتصد صفحه سه ستونی به ترتیب الفبایی درج گردیده است. دانشنامه تاجیک به اسلوب دایرةالمعارفهای معتبر امروزی تدوین شده و آن را می‌توان تابع اصل اختصار دانست زیرا مقالاتش عموماً کوتاه است. ولی برحسب اهمیت موضوع گاه مقاله‌ای چند صفحه را در بر می‌گیرد.

دایرةالمعارفهای عمومی برای استفاده عامه تدوین می‌شود و حاوی زبده‌ای از همه رشته‌های دانش است که در مقالاتی ذیل عناوین مرتب به حروف الفبا مندرج باشد. سابقه این نوع تألیفات به قرن هجدهم می‌رسد. هر یک از کشورهای معتبر و جمهوریهای

پانزده گانه شوروی دایرة المعارف عمومی بزرگ دارند. از کشورهای خاورمیانه، ترکیه دو دایرة المعارف عمومی بزرگ تدوین کرده است؛ یکی درسی و سه جلد بتفاریق طی سالهای ۱۹۴۶-۱۹۴۸ و دیگری در دوازده جلد در سال ۱۹۸۵. در ایران تألیفی که می توان در این ردیف بشمار آورد دایرة المعارف فارسی ست که طرح آن در دو جلد در سال ۱۳۳۳ ریخته شد ولی کار به کندی پیش رفت و جلد اول و دوم به سرپرستی غلامحسین مصاحب از سال ۱۳۴۵ بعد انتشار یافت. مقالات عمومی این دایرة المعارف از دایرة المعارف یک جلدی «کلمبیا وایکینگ» از انگلیسی ترجمه شده ولی عناوین بسیاری نیز راجع به ایران به دست دانشمندان ایرانی تألیف و بدان افزوده شده است. تألیف دیگر لغتنامه دهخداست که اعلام و معانی لغات را توأمان داراست ولی تعریف لغات را اساس کار قرار داده و بنابراین در اصل فرهنگ است نه دایرة المعارف. وانگهی روشی که در اعلام اختیار کرده یکدست نیست و با شیوه معمول بین المللی مطابقت ندارد (مثلاً مقاله «سعدی» نیم ستون است و مقاله «بابک خرمین» ۶۹ ستون؛ حرف پ مملو از تصویر است حال آن که در سرتاسر حرف فاء بیش از سه تصویر نیست). در افغانستان دایرة المعارف عمومی میانه حجمی به فارسی به نام دایرة المعارف آریانا در سال ۱۳۲۷ به انتشار آغاز کرد و در سال ۱۳۴۸ در یک دوره کامل شش جلدی به انجام رسید. آریانا نخستین دایرة المعارف عمومی کامل در زبان فارسی ست. در تاجیکستان این بار اول است که دایرة المعارف عمومی فراهم می شود.

مباحث دانشنامه تاجیک دو نوع است. یکی مباحث عمومی ست که بیش از نیمی از دانشنامه را در بر می گیرد و شامل مقالاتی ست چون آفتاب و خرگوش و افلاطون و برزیل و پوزیترون و پاره خوری [= ارتشاء]. دیگر مباحثی ست راجع به تاریخ و جغرافیا و مدنیت و فرهنگ و مشاهیر تاجیکستان و آنچه به تاجیکستان مربوط می شود. با نگاهی گذرا به دانشنامه چنین استنباط می شود که مدقونان آن تاجیکستان را در زمان معاصر در درجه اول به شوروی و ممالک هم مسلک و هم پیمانانش مربوط دانسته اند و بدانها بمراتب مفضلتر از کشورهای دیگر پرداخته اند. از طرف دیگر آن جا که سخن از گذشته است طرف التفات و ترجیح فرهنگ ایرانی و سرزمینهای فارسی زبان است. باز در میان این سرزمینها به ماوراءالنهر و خراسان اولویت داده شده و مقالات آن جامعتر و عالمانه تر نوشته شده است و همین امر دانشنامه تاجیک را از نظر موضوعی ممتاز می سازد چرا که این همه اطلاعات را یکجا در تألیف واحد دیگری نمی توان یافت. اگر کسی بخواهد بداند که شهرهای تاریخی خجند و فاراب و قبادیان و آخسیکت و چارجوی و شهر سبز و

مرو و خوارزم و اورگنج و فرخار و نخشب و ترشخ و ترمذ اصلاً هنوز باقی ست یا نه و اگر هست در کدام قلمرو اداری ست و از تاریخ آن چه مانده و مردمانش به چه زبانی سخن می‌گویند و چه می‌کنند، ذیل هر یک از این عناوین مقالات مفید می‌یابد. در شرح دوشنبه، پایتخت تاجیکستان، هفت ستون آمده است. کولاب شهر دیگر جمهوری سه ستون و شهرک کان بادم ناحیه قرغانه یک ستون را شامل می‌شود. دهکده هفتاد نفری «نوباد پایان» یکی از ۲۷ دهکده «نوباد» مندرج در دانشنامه است.

در هفتاد سال اخیر آسیای مرکزی و از جمله تاجیکستان دستخوش دگرگونیهای اساسی شده، اما بعثت پيله‌ای که کشور شوروی به دور خود تنیده بود احوال تاجیکستان بر همزبانانشان چندان معلوم نیست. دانشنامه تاجیک از این نظر حکم جام جم دارد. هرگونه اطلاعی درباره حیات اجتماعی و سیاسی و مدنی و فرهنگ و صنایع و معادن و فلاح و کار و پیشه و مؤسسات تاجیکستان در دانشنامه گنجانده شده است. بویژه به کشاورزی و دامداری و امور مربوط به آن، که اشتغال عمده مردم جمهوری ست، توجه شده است. برای آگاهی از احداث «سربند نازک» که مرتفع‌ترین سد جهان است و حوضه آبیاری رودهای وحش و ونج و پنج و برتنگ و پامیر و زرافشان و سُرخاب و مُرغاب و یغتاب و خنگاب و ورزاب و سُرخان دریا و سیردریا و آمودریا دانشنامه مرجع مطلوبی ست. دانشنامه درباره یکایک محصولات زراعی مقاله دارد. به هر یک از انواع خربزه و انگور که از هر کدام در تاجیکستان بیش از دو یست نوع بعمل می‌آید مقاله‌ای همراه با تصویر میوه اختصاص داده شده است. از عناوین انگور است تگابی و فخری و داربی و بختیاری و چلگی و نیمرنگ و دم‌رو باهی و مُخ چلانی و لعل یکدانه. در مقاله خربزه می‌خوانیم که از پانصد نوع خربزه‌ای که در آسیای مرکزی پرورش می‌یابد «بیش از ۲۳۰ نوعش نام تاجیکی دارد، که این گواه وطن خربزه بودن دیار تاجیکان است».

صنایع دستی و پیشه‌های سنتی تاجیکستان در مقالاتی مانند کاشیکاری و کنده کاری و کلالی (سفالگری) و قالین (قالی) بافی و گلیم بافی و زری بافی و کشیده دوزی (گلدوزی) معرفی شده است. هر یک از آداب و سنن و مراسم و جامه‌ها و غذاها مقاله مخصوص دارد. در مقاله پلو دستور طبخ چند نوع پلو آمده است. رقص و موسیقی مورد توجه خاص گردآورندگان دانشنامه بوده، چنان که شعبه‌ها و گوشه‌ها و فنون و آلات موسیقی بدقت شرح داده شده و صاحبان تردست این فن چون عبدالرحمن تنبوری و اردشیر چنگی و باقی رودی و زیتون غزکی و درویش احمد قانونی و ترسن خواجه دوتاری و همچنین عده زیادی از حافظها و گوراوغلی خوانها معرفی شده‌اند. از مقالات دانشنامه

می‌توان دریافت که در تاجیکستان تلاش دامنه‌داری در جهت ترقی هنرهای نمایشی جدید چون سینما و نمایش و اپرا در جریان بوده است. حاصل این تلاش آثاری است که هم بر اساس ادبیات ملی و هم ادبیات روسی و اروپایی ساخته شده است. ترکیب کمی این دو گروه چنان است که نمی‌توان گفت کدام یک از اهمیت بیشتری برخوردار است. از مضامینی که از ادبیات قدیم فارسی گرفته شده از همه چشمگیرتر داستانهای شاهنامه است که بارها اساس فیلم و نمایشنامه و باله قرار گرفته است.

از پر مقاله‌ترین مباحث، اعلام اشخاص تاجیکستان است. سرگذشت مردان و زنانی که به نحوی در فرهنگ و مدنیت تاجیکستان منشأ اثر بوده‌اند، چه درگذشتگان و چه کسانی که در زمان تألیف مقاله حیات داشته‌اند، همراه با تصویر ایشان ضبط شده است. شاعران و نویسندگان و ادیبان و هنرمندان و رجال و صاحبان فن و اهل دانش و پژوهش هر یک در مقاله‌ای مشروحند. در مقاله‌ها معمولاً نام، تاریخ و محل تولد و وفات، تعلق طبقاتی، تحصیلات و سمتها و جوایز، اعمال و آثار شخص عرضه شده است. زندگینامه بزرگان علم و ادب تاجیک چون احمد دانش و صدرالدین عینی و ابوالقاسم لاهوتی و عبدالسلام دهاتی و باباجان غفورف و میرزا ترسن زاده و ساتم الغ زاده و جلال اکرامی و میر سید میر شکر بنفصیل آمده است. جالب توجه است که بسیاری از مشاهیر (و در مورد سالمندان و درگذشتگان غالب ایشان) متولد سمرقند یا بخارايند و بسبب فارسی زبان بودن از جمهوری ازبکستان به تاجیکستان مهاجرت کرده‌اند. نیز گفتنی است که اعلام اشخاص به گروههایی که ذکر آن گذشت منحصر نیست، بلکه کسانی که در حرفه و پیشه خود لیاقت و کاردانی نشان داده‌اند نیز بمنظور تشویق و قدردانی نامشان در اعلام اشخاص داخل شده است. مثلاً در میان شانزده تن «عبدالله‌یف» شش تن به پنخته‌کار [= پنبه کار] موصوفند و شرح حالشان بعنوان کشاورز نمونه ذکر شده است.

مقاله‌های راجع به تاریخ و جغرافیای تاریخی دانشنامه بیانگر دریافتی است که تاجیکان از گذشته خود دارند. تاجیکان خود را وارث آن بخش از تمدن ایرانی می‌دانند که زمانی در سراسر آسیای مرکزی جریان داشت. خود را «ایرانی تژاد» و بازمانده «سغدیها و باختریان و تخاریان و قرغانیان و خراسانیان و قبیله سکاها» بشمار می‌آورند (مقاله «دولت سامانیان»); و سامانیان را «دولت اولین تاجیکان» می‌خوانند. بر اثر تفکیکی که حکومت شوروی در بدو استقرار در متصرفات روسیه در ترکستان غربی به

اجرا درآورد، تاجیکان صاحب سرزمینی به نام تاجیکستان شدند و مجالی یافتند تا با نگرشی نو به تاریخ نظر افکنند و هویت خود را باز یابند. زیرا هزار سالی می‌شد که پس از انقراض سامانیان در معرض تاخت و تاز و تحت استیلای طوایف بادیه‌نشین ترک و تاتار و مغول در بی‌سامانی بسر می‌بردند و دولتی از آن خود نداشتند.

در نیمه اول این هزار سال آسیای مرکزی و فلات ایران هنوز ممالک جداگانه محسوب نمی‌شدند. زوال تیموریان و استقرار دولتهای متخاصم صفویه در ایران و ازبکان شیانی در ترکستان بود که رشته پیوند را گسست و تجزیه سیاسی و مذهبی را موجب گشت و منجر به این شد که تاجیکان آن سامان راهی بکلی جدا از ایران پیمایند. این جدایی بقدری قاطع بوده است که دیگر انگیزه‌ای برای دنبال کردن تاریخ آسیای مرکزی در کتابهای تاریخ ایران باقی نمانده و از تیموریان به بعد فقط به ذکر دستبرد و تعارض پی در پی قبایل ترک آسیای مرکزی به صفحات شمال شرقی ایران اکتفا شده است.

دانشنامه تاجیک سرشار است از اطلاعات راجع به این دوره و مملو است از مصطلحاتی که در این دوره در آسیای مرکزی رایج بوده و در ایران نامانوس و گاه ناشناخته مانده است. کسانی که آثار صدرالدین عینی و دیگر نویسندگان تاجیک را می‌خوانند به نامها و اصطلاحاتی از قبیل منقبتیه و اشترخانیان (خاندانها) و عالم خان (آخرین امیر منغت) و عبدالرحمن آفتابه‌چی و واسع (عصیانگران قرن نوزدهم) و پروانه‌چی (منصبی در دربار بخارا) و قاضی کلان و دادخواه (عناوین عاملان دستگاه قضایی در خانات خیوه و خوقند) و بی بی خلیفه (عنوان آموزگاران مکتبهای دخترانه) و داملاً گنجکی (عنوان دستیاران مدرسان قدیم) و طرخان (محبوسی که بنا به شرایط عفو می‌شد) و ارگ بخارا (مقر امارت) و ریگستان (میدان مرکزی سمرقند) و تنگه (واحد پول رایج در «بخارای شریف») و گرنی (سازبادی بم آوای کلان‌جثه‌ای که هنوز هم در اعیاد می‌نوازند)، بر می‌خورند که در دانشنامه وصف شده است. مدارس و مساجد و مقابر تاریخی آسیای مرکزی اقل ۷۶ مقاله را شامل می‌شود. این نوع مقالات در خور اعتنای کسانی است که به شناختن آسیای مرکزی در چند سده اخیر علاقه‌مندند.

باری اگر در مبحث تاریخ به آسیای مرکزی بیشتر پرداخته شده، در مبحث ادبیات فارسی چنین تمایزی اگر باشد اندک است و دایره شمول جغرافیایی آن تمام سرزمینهای فارسی زبان و فارسی دان را از ابتدای ظهور ادبیات فارسی تا زمان حاضر در بر می‌گیرد.

شرح حال عده قابل ملاحظه‌ای از ادیبان و نویسندگان و شاعران معاصر افغانستان و ایران در دانشنامه مندرج است در حالی که دیگر مشاهیر و رجال معاصر این دو کشور، بجز یکی دو تن، در دانشنامه جایی ندارند. بسیاری اصطلاحات رایج در ادبیات چون گنج قارون و خضر و آب حیات و نوشدارو و اصحاب کهف و ارزنگ اغلب با ذکر ابیاتی بعنوان شاهد مثال، درج شده است. فراهم آورندگان دانشنامه اهمیت فوق‌العاده‌ای به شعر داده‌اند، تا آن‌جا که شاید بتوان گفت که شعر فارسی نقطه پرگار دانشنامه تاجیک است. عدد مقالاتی که به دواوتین و فنون و صناعات و بحور و اوزان و سبکهای شعر و نیز شاعران خرد و کلان اختصاص دارد بی‌هیچ مبالغه‌ای سر به هزاران می‌گذارد. چه بسا برخی گمان کنند که در این باب افراط شده و وارد کردن هر شاعری که در تذکره‌ای یا سفینه‌ای نامی از او هست با غرض اصلی این دانشنامه که برآوردن احتیاج عموم باشد ملازمت ندارد. ولی غافل نباید بود که اولاً طالبان شعر در سرزمین رودکی فراوانند. ثانیاً اگر به زبان و ادبیات و تاریخ دیرینه که استوارترین ارکان ملیت و هویت تاجیکان و مهمترین وجوه تمایز تاجیکستان با همسایگانش در شوروی است بنحوسزاواری پرداخته نمی‌شد، دانشنامه تاجیک نیز چون دانشنامه‌های برخی جمهوریهای شوروی عمده ترجمه‌ای می‌شد از «دایرة المعارف بزرگ شوروی» و از رنگ و بوی ملی بی‌نصیب می‌ماند.

در دانشنامه دو گروه مقاله می‌توان تشخیص داد: یکی مقالاتی است که بنظر می‌رسد از «دایرة المعارف بزرگ شوروی» (به زبان روسی) و دایرة المعارفهای جمهوریهای شوروی ترجمه شده و با دخل و تصرفهایی درج گردیده باشد. این مقالات عموماً فاقد نام مؤلف است و به مباحث عمومی مربوط می‌شود. دیگر مقالاتی است که برای دانشنامه تاجیک نوشته و نام مؤلف در انتهای آنها قید شده است. تألیف اکثر این مقالات به تاجیکان دانشمند و صاحب تخصص سپرده شده است. مثلاً نعمان نعمت‌اف، نویسنده مقاله بُنجیگت (پایتخت دولت استروشن در ماوراءالنهر در سده‌های نهم و دهم مسیحی)، صاحب سه تألیف در این باب است که در مآخذ مقاله مذکور است. گاهی هم به مقالاتی در علوم دقیق و تجربی بر می‌خوریم که ترجمه نیست و خود تاجیکان نوشته‌اند، از آن جمله چند مقاله راجع به ریاضیات را عبدالحمید جوژه‌یف و فیزیک هسته‌ای را سید جعفر قادری و هیأت را پولاد باباجان‌اف نوشته‌اند.

حجم مقالات عموماً متناسب و معقول است و برای خواننده غیر متخصص وافی به

مقصود، بجز این که مقالات در دو جلد آخر بطور مشهودی موجزتر از جلد‌های دیگر نوشته شده (چنان که مقاله «ختای» یعنی کشور چین در جلد هفتم کوتاهتر از «بولیوی» در جلد نخست است) و پیداست که در به پایان رساندن دانشنامه ضرب الاجلی در کار بوده است. برخی مقالات مفصل یک یا چند عنوان فرعی بدنبال دارد؛ مثلاً تحت عنوان «علم» دو عنوان فرعی «تاریخ تشکل و ترقی علم در شرق نزدیک و میانه» و «انکشاف [= تحول] علم در تاجیکستان ساویتی» مندرج است. مقالات بر حسب ضرورت به دو فهرست مذیل است: فهرست آثار (اگر شخصی مورد شرح باشد) و فهرست مآخذ مقاله. فهرست اخیر به شرحی که در مقدمه دانشنامه مندرج است فقط شامل مآخذی است که در کتابخانه‌های شوروی موجود و در دسترس عموم می‌باشد؛ مآخذ دیگر در داخل مقاله ذکر شده است. مآخذ عموماً آثار چاپی روسی و تاجیکی و ایرانی است. در میان مآخذ ایرانی لغتنامه دهخدا و آثار سعید نفیسی زیاد به چشم می‌خورد. در دانشنامه سالشماری همه جا فقط به تقویم مسیحی گره‌گوری است مگر در موارد معدودی که بضرورت از تقویم هجری نیز استفاده شده است.

عناوین دانشنامه را با حروف درشت سیاه چیده‌اند و بمنظور درست خواندن روی هجای تکیه دار علامت تکیه نشانده‌اند. عناوین بصورتی که در تاجیکستان تلفظ می‌شود ضبط شده و همیشه با تلفظ رسمی ایران یا اصل عربی یکسان نیست: ایرج با یاء مجهول، بهزاد به یاء مجهول بعد از باء، موش با واو مجهول (یاء و واو مجهول در تاجیکستان تلفظ می‌شود و به کتابت در می‌آید)، سوسن به فتح سین اول، کسری به کسر کاف، آمو (رود جیحون) به فتح همزه، طلا به کسر طاء و تشدید لام، عشق آباد (محرف اشک آباد) به فتح عین، بدرالدین به کسر راء. در ضبط عناوین، بدنبال صورت اصلی، مترادفات و صورتهای دیگر آمده است؛ مثلاً بدنبال گلکند، گل انگسین و گلشکر و جل انجبین. عنوان مقاله اگر کلمه‌ای عربی باشد املاء آن به خط عربی و اگر اروپایی باشد به خط لاتین و اگر اسم خاص و تاریخی و فارسی باشد به خط فارسی، بعد از عنوان آمده است. همین‌طور نام علمی بیماریها و گیاهان و جانوران و نظایر آن را که در علوم طبیعی دخیلی دارد به لاتین در پی عنوان مقاله آورده‌اند. در ضبط نامهای خارجی که از کارهای دشوار در فرهنگ نویسی فارسی است کار مذبذبان دانشنامه نسبتاً آسان بوده زیرا در اکثر موارد صورت روسی نام را بی هیچ تغییری درج کرده‌اند؛ مثل هگیل را گگل و هنگری را ونگری و حتی روم را ریم. در مواردی ریشه یا اصل کلمات نیز بدست

داده شده است. مثلاً در پی عنوان افندی (تالی ملانصرالدین) چنین آمده: شکل ترکی «آوتن تیوس» یونانی که معنای جناب و آغا را دارد.

در دانشنامه کمتر صفحه‌ای می‌توان یافت که مصور نباشد. تصویرها فقط زینت کتاب نیست بلکه جایی که قلم از توصیف درمانده گره‌گشاست. مثلاً کسی که می‌خواهد بداند فرق میان پلنگ و یوزپلنگ و یوزچیست، یا خزو و سمور و قاقم و راسوچه فرقی با هم دارند، باید به تصاویر رنگی ضمیمه مقاله‌های «گربه شکلها» و «درندگان» نگاه کند. مقالاتی نیز هست که با جدول همراه است. از آن جمله است برخی مقالات راجع به شعر مانند مربع و مسدس و مثنی و راجع به مقامات و شعبه‌های موسیقی مانند دوازده مقام و نوا و بزرگ و راست و پیشرو. درباره نقشه‌های دانشنامه حق است گفته شود که در دقت و روشنی کمال مطلوب حاصل شده. چاپ یکدست و پاکیزه، و صحافی ستبر و جلد زرکوب به دانشنامه ظاهری آراسته و محترم می‌دهد.

اما دانشنامه تاجیک با همه محاسنش خالی از نقص نیست. یک نقص آن برخی خطاها و افتادگیهاست. از جمله بعضی لغزشهای جزئی است که در املاي کلمات راه یافته است که هر چند نادر است مراجعه کننده را در جستجوی عناوین به بیراهه می‌کشد و گاه حتی مغلّ معنی است. مثل باغرخان بجای باقرخان، ابن خیان بجای ابن حیّان، رشید یاسیمی بجای رشید یاسمی، خشیارشا بجای خشیارشا یا خشیارشا، بائل (در بین‌النهرین قدیم) به ضم باء دوم. یا استعمال برخی نامها در همه جا یکسان نیست. برای نمونه قوم پارت را می‌توان ذکر کرد که هم بصورت «پارت» و هم «پرفیه» (صورت روسی) نوشته‌اند. دیگر این که ارجاع متقابل بین مقالات همیشه رعایت نشده است. مثلاً با خواندن مقاله دُرانیها نمی‌توان پی برد که مقالات «دولت درانیان» و «احمد شاه درانی» نیز در دانشنامه هست. یا شرح کتاب زین الاخبار در دو مقاله «زین الاخبار» و «گردیزی» (مؤلف این کتاب) مکرر شده و نویسندگان این دو مقاله ظاهراً از کار همدیگر بیخبر بوده‌اند. از اینها گذشته به مقالاتی بر می‌خوریم که سلیس انشاء نشده است و اطناب مغلّ یا ایجاز مغلّ در آن راه یافته و پیداست که شتابزده تهذیب شده یا هیچ تهذیب نشده است.

دیگر نقص تحقیق و ضعف اطلاع است که در جای جای دانشنامه بچشم

می‌خورد. مثلاً در مقاله کوتاه اشکانیان فقط به برشمردن نام و نسب و سنوات سلطنت پادشاهان این سلسله پانصد ساله اکتفا شده که البته حق مطلب را ادا نمی‌کند. یا در ذکر تاریخ افغانستان به کوشانیان حتی اشاره‌ای هم نشده و از اسکندر تا یورش هیاطله مدت هشت قرن جا افتاده است. یا در مقاله «بیهقی» وی بجای دبیر دیوان رسالت، دبیر دیوان سفارت معرفی شده است. یا نویسندگان مقاله «نوروز» پنداشته‌اند که هفت سین در قبل از اسلام هفت شین و چیزهایی از قبیل شمع و شراب و شربت بوده است! یا در مقاله «زبان تاجیکی» (مقصود زبان فارسی رایج در آسیای مرکزی است) این زبان از متفرعات گروه شرقی زبانهای ایرانی محسوب شده، در حالی که بجای «شرقی» باید جنوب غربی آمده باشد. یا با همه توجهی که به ادبیات فارسی شده (و همان‌طور که گذشت عدد شاعران بیش از میزان متعارف است) از توضیح برخی مصطلحات رایج در ادب فارسی فروگذار شده، چنان که در مقاله کنعان از یوسف و یعقوب ذکری نیست و عناوین دارا و اسکندر فقط ناظر به تاریخ تحقیقی است و دماوند فقط به جغرافیا و مغ فقط به تاریخ ادیان، اما از ذکر معانی استعاری این کلمات در ادبیات و دلالت آن در اساطیر و تاریخ ملی چشم پوشی شده است. همچنین در بدست دادن اخباری که صحتش محل تردید است و کاملاً مستند نیست، گاه از بکار بردن ادات و علامات استفهام کوتاهی شده است. از این زمره است برخی سنوات و حوادث مشکوک تاریخی مانند وقایع حیات و تاریخ وفات فردوسی.

اما نقصی که از همه چشمگیرتر و تأمل برانگیزتر است این است که در نگارش پاره‌ای مقاله‌ها بیطرفی سیاسی و فرقه‌ای، که از اصول کار علمی باید باشد، رعایت نشده و برخی مطالب عرضه شده کاملاً مبتنی به واقعیت نیست. نمونه‌ها کم نیست ولی برای توضیح این معنی ذکر چند مثال کافی است. در مقاله «اسماعیلیه» به جای این که گفته شود که این مذهب کی و کجا ظهور کرد و چگونه شیوع یافت و نواحی تاریخی نفوذ آن کدام است و پیشوایانش کیستند، عمده به داوری در ماهیت و فلسفه این مذهب پرداخته شده است و عجب این که اسماعیلیه در عصر حاضر مردود شمرده شده است. غرض از این کم لطفی شاید مبارزه با مذهب رایج در بدخشان تاجیکستان بوده است. یا در مقاله «بدخشان» گفته شده که بخش شمالی این دیار کوهستانی «اختیاراً به روسیه همراه شد». همین توجیه برای سایر مستملکات روسیه نیز بکار رفته است. دیگر این که نظریاتی جزمی را وحی منزل پنداشته برای تعبیر هر موضوعی بکار گرفته‌اند. برای نمونه مقاله «درخت آسوری» را می‌توان ذکر کرد که از گزند تجزیه و تحلیل «ایدئولوژیک»

در امان نمانده است. منظومه کهن درخت آسوری مناظره‌ای است میان نخل و بُر که هر یک به لحنی کودکانه فضائل خویش را با لاف و گزاف به رخ دیگری می‌کشد. کوشش نویسنده مقاله بر این بوده که به هر نحوی این جدل را از مقوله نزاع طبقات اجتماع جلوه دهد، لذا از میان دو جاندار نخل را — لایذ به سبب بلندی قامت — به منزله مظهري از استکبار برگزیده است!

درست است که نقص اخیر به اعتبار دانشنامه لطمه می‌زند، اما انصاف باید داد که با وضعی که در زمان تدوین دانشنامه در شوروی موجود بوده توقع بیش از این بیجاست. همین که فرزندگان ملت کم شمار تاجیک به ایجاد چنین اثر گرانبهایی توفیق یافته‌اند مایهٔ اعجاب و تحسین است. با اهمیتی که تاجیکستان در ترویج خط فارسی دارد امید است چاپ دوم دانشنامه به خط فارسی باشد تا همهٔ فارسی زبانان را سودمند افتد.

نیویورک



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی